فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۳، صفحات۱۱۲ -۸۲

مقاله پژوهشی

روایت سوژۀ فمینیستی از دین و سنت[۱]

محبوبه سادات هدی[۲]؛ محمدتقی کرمی قهی[۳]؛ خلیل میرزایی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

چکیده

این پژوهش توصیفی- تحلیلی، با هدف کشف روایت سوژۀ فمینیستی از دین و سنت و با رویکرد تفسیری -انتقادی و با استفاده از تحلیل مضمون و تکنیک مصاحبه نیمه عمیق با ۳۷ زن به عنوان سوژه‌های فمینیستی انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، ۱۴ مضمون فرعی ذیل ٤ مضمون اصلی، مضمون فراگیر " زوال مشروعیت مرجعیت دینی" را به دست داد. رویکرد زن ستیزانۀ نهاد دین و سنت و تصریح تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی با برداشت‌های سوگیرانه، مردسالاری را بازتولید می‌کند. روایت سوژۀ فمینیستی، گویای خوانش ایدئولوژیک نظام سیاسی مسلط و بازتولید سنت مردسالارانه است. رویکرد ارتجاعی و تغییر نقش روحانیت، اعتبار اجتماعی و مشروعیت آنان را کاهش می‌دهد، هر چند ظهور عقلانیت، کنشگران منتقد و معترض را در مواجهه با ساختار قرار داده است، سوژۀ فمینیستی را متجلی می‌سازند. تفسیر آگاهانه از موقعیت و لزوم دگرگون‌سازی، زنان را به سوژه‌های تحول‌ساز بدل کرده است تا ساختارشکنانه، در حذف ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها تلاش کنند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مضمون؛ دین؛ سنت؛ سوژۀ فمینیستی.

---

[۱]. مقاله مستخرج از رسالۀ دکترای محقق تحت عنوان "زمینه‌های اجتماعی -فرهنگی گرایش به فمینیسم در ایران" می‌باشد.

[۲]. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
m.s_hoda@yahoo.com

[۳]. استاد گروه مطالعات زنان، دانشکدۀ علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسندۀ مسؤول).
mt.karami@yahoo.com

[۴]. دانشیار جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mirzaeikhalilr@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

مقدمه و طرح مسأله

بر اساس شواهد و نتایج پژوهش‌ها، زیست روزمرهٔ زنان تحت سلطهٔ نظام مردسالاری و نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در تمام سطوح، غیر قابل انکار است. عقاید و باورهای عرفی مبنی بر لزوم سلطهٔ مردان و فرودستی زنان، ساختار و زیربنای ایدئولوژی مردمحور در نظام مذکور را تعیین می‌کند و با تسرّی در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به طور فراگیر، آن را در قانون متجلی می‌کند و به عنوان رویهٔ مرسوم عملیاتی می‌کند. چنین رویکرد مسلّطی، به دلیل تصاحب ساختار قدرت، به راحتی می‌تواند آراء خود را حقیقی و طبیعی قلمداد کند و در بستر قانون آن را تولید و بازتولید نماید (آبوت و والاس[1]، ۱۳۹۳). در روابط فرادستی- فرودستی و در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران، زنان با آگاهی و فهم جنسیتی از هویت و موجودیت خود، به مخالفت و مقابله با نظم موجود می‌پردازند. بر اساس تغییرات ساختار ایدئولوژی مشحون از تسلیم شدگی جنسیتی در نظام مردسالار، زنان به عنوان گروه‌های فرودست و تحت سلطه، نقشی جدید و دگرگون‌ساز ایفاء می‌کنند، آنچنان‌که فمینیست‌ها رویکرد مردسالارانه را قابل چون و چرا، مواجهه و کنشگری می‌دانند. تاریخ مبارزات زنان نشان می‌دهد آن‌ها دراعتراض به وضع موجود و برای دستیابی به منابع زیستی و اجتماعی، به عمل جمعی دست زده‌اند و گام‌های نخستین را در عصیان به موانع زن بودن، برداشته‌اند (روباتام[2]، ۱۳۹۸). سوژه با اتخاذ استراتژی‌های مواجهه و مقابله برای تغییر وضع موجود، خود را پدیدار می‌سازد و در متن اجتماعی با ظهور هویت فردی آن را برساخت می‌کند. عاملیت در مقابل ساختار رخ می‌نماید و موجودیت و ارادهٔ خود را تحمیل کند و آن را وادار به پذیرش می‌کند، عاملیتی که در مواجهه با ساختار مسلط، با قدرت ذهنی خود، آن را تفسیر و بازاندیشی می‌کند.

گیدنز بر انگیزهٔ فردی و قدرت اراده و کنش قابل تفسیر در برابر ساختارها تأکید دارد و معتقد است دوگانهٔ ساختار، واقعیت اجتماعی را تغییر می‌دهد و شکل جدیدی از آن را تعیین می‌کند (سیدمن[3]، ۱۳۸٦) در زیست روزمره، زنان با مفاهیم، قواعد، قالب‌ها و الگوهای رفتاری مواجه هستند، الگوهایی که با تحمیل رویکرد مسلط مردمحور، نوع خاصی از رفتار و کنش مطالبه می‌شود. مسأله‌مندی نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی، اندیشهٔ محوری فمینیسم است، به نحوی که رویکرد

1. Abbott, Pamela & Wallace, Claire
2. Rowbatham, Sheila
3. Seidman, Steven

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

برتری و قدرت فراتر مردان، سلطه بر زنان را در عرصه‌های گوناگون موجب شده است (دوالت[1]، ۱۳۸۵). فمینیست‌ها معتقدند نابرابری‌ها در عرصۀ زندگی، مسأله‌ساز شده است، بنابراین، زنان برای تغییر وضع موجود، کنش می‌کنند. روایت سوژۀ فمینیستی، روایت زیست روزمره مبرّا از هر گونه بدفهمی و کج فهمی است که با تمام وجود آن را می‌چشد و در چمبرۀ آن گرفتار است، بنابراین، واقعیتی غیر قابل انکار می‌باشد.

سوژۀ فمینیستی، رویکردی معناکاو و انتقادی دارد که به دنبال درک موقعیت و آگاهی جنسیتی پدیدار می‌شود. گزاره‌های معرفت‌شناختی او، کنشگری‌اش را توجیه می‌کند. هدف سوژۀ مذکور، کشف مفاهیم سلطه، تغییر وضع موجود مستند به آن و مطالبه حقوق است. تجربۀ او در جوامع ایدئولوژیک، نشان از سلطۀ نهادها بر اندیشه و زیست روزمره دارد و معتقد است سیاستگذاری این نهادها در تولید کلیشه‌ها و مفاهیم جنسیتی، نظم مردسالاری را عینیت می‌بخشد و برنامه‌ها را همسو با آن ترسیم می‌کند. فرهنگ مردسالاری، زن بودگی و تسلیم در برابر خواست و ارادۀمردان و فرودستی را اولویت می‌داند و آن را در قالب الگوی فکری و رفتاری بر جامعه تحمیل می‌کند، اینجا سوژۀ فمینیستی متولد می‌شود. سوژۀ فمینیستی معتقد است زنان در زندگی روزمره با الگوهایی از دین و سنت روبه‌رو می‌شوند که در تولید و بازتولید گزاره‌های سلطه، نقش بسزایی دارند. همان بستری که زمینه‌های گرایش به فمینیسم را موجب می‌شود[2]. دین و سنت دو سازۀ فرهنگ هستند که توسط متولیان آن، برداشت و تفسیر می‌شوند. محقق در این پژوهش به دنبال کشف روایت سوژۀ فمینیستی از دین و سنت است. دین و سنت با قالب‌های مفهومی خود، چه نقشی در تولید و بازتولید نابرابری‌ها، تبعیض‌ها، مفاهیم جنسیتی، کلیشه‌ها و سلطۀ نظام مردسالاری دارند؟ همچنین هژمونی مفاهیم جنسیتی در زیست روزمرۀ زنان به استناد محتوای دین و سنت چیست؟ این مطالعه، تفسیری –انتقادی است و به روایت سوژه مبتنی بر واقعیت مستند می‌باشد.

پیشینۀ پژوهش

ذکایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «دیرینه‌شناسی برساخت زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول»، نقش دین و سنت در ایجاد گفتمان مردسالاری را نشان داده است و معتقد است گفتمان دینی (عمدتا روحانیت شیعه) با تفسیر آیات و احادیث در برساخت زنانگی تأثیرگذار بوده است. همچنین وقایع اجتماعی در جوامع مردسالار، امری مردانه است و تلاش بر نادیده انگاری

[1] Dowalt, Marjorie L

[2] . مستخرج از رسالۀ دکتری محقق تحت عنوان "زمینه‌های اجتماعی –فرهنگی گرایش به فمینیسم در ایران".

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

موجودیت زنان بر خلاف حضور چشمگیر آنان در مدرنیته است. او نشان می‌دهد زن‌ستیزی مظهر سنت‌گرایی و دفاع از حقوق زنان، معیار مهم مدرنیته است. در واقع، مفهوم زن و نقش و جایگاه او و همچنین زنانگی و مناسبات جنسیتی، برساختهٔ گفتمان سنت و دین و در تعارض با نیروهای اجتماعی است. هر چند امکان‌سازی مدرنیته برای تبدیل زن تحت سلطه به سوژهٔ انسانی در فرآیند برهم کنش قدرت و مقاومت و با اتخاذ استراتژی‌ها، گفتمان زنانهٔ برآمده از روشنفکری را در تقابل با گفتمان سنت‌گرای دینی قرار می‌دهد، لیکن مفهوم‌سازی‌ها در گفتمان مذکور همچنان مانع دستیابی زنان به حقوق و اهدافشان است. محقق به خوبی تقابل میان تفسیرهای جنسیتی از دین و سنت و گفتمان اعتراضی زنانه را نشان می‌دهد.

محمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان برساخت سوژهٔ جسم‌مند زنانه در ارتباط با سلطهٔ مردانه»، نشان می‌دهد بخشی از مؤلفه‌های ساختار ابرگفتمان مردسالاری، برآمده از دین و سنت است. کنش سوژهٔ مقاومت در برابر قدرت مسلط به ظهور گفتمان: خودفعلیت بخشی و جهان زنانه منجر شده است، لیکن گفتمان‌های: تناسب اندام، شریک زندگی و مادر دلسوز در بازتولید سلطه و جهان مردانه مؤثر بوده است و انفعال و ابژگی را به تصویر می‌کشد. محقق نشان می‌دهد بدن در متن روابط دانش و قدرت برساخت می‌شود. روابط درهم تنیده قدرت و جنسیت در جامعهٔ کنونی، سلسله مراتبی از معناها و نشانه‌ها است که گفتار مردانه تولیدکنندهٔ آن و نظام معنایی زنان، در بعضی موارد، مصرف‌کنندهٔ آن است. در واقع زنانگی یا زن بدن‌مند تحت سیطرهٔ قوانین و شیوه‌های مطلوب نظام مردسالاری است. برخی داده‌های این پژوهش بیانگر سلطهٔ نظام سنتی – دینی بر زنان است به نحوی که برای تأمین انتظارات و تمایلات مردان و نگاه خیره آن‌ها، مجبورند بدن خود را برای تمتع آن‌ها تغییر دهند. تمایل به برخی جراحی زیبایی در این راستا است، زیرا حاکمیت گفتمان سنتی –دینی، زنان را وادار می‌کند تا وفق آن عمل نمایند. در این مطالعه کنش اعتراضی و پذیرش، علیرغم ماهیت متضاد، بر هم منطبق شده است و از زنان سوژهٔ تسلیم ساخته است.

علیمردانی (۱۴۰۰) نیز در پژوهش «کنش‌پذیری سوژهٔ زن در تحولات تاریخی ایران»، نشان داده است چگونه سوژهٔ فمینیستی تحت سیطرهٔ ساختار ایدئولوژیک مردانه، برساخت می‌شود، یعنی آنچه از مفاهیمی همچون، آزادی، برابری مطرح و برای دستیابی به آن کنش می‌کنند، دال‌های ساختار مذکور است. در واقع نیازهای سوژهٔ فمینیستی در راستای خواست و اهداف ایدئولوژی مردانه در قالب نهادهای گوناگون قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج، از دوران مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷ و در حال

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

حاضر نیز، سوژه‌زدایی زنان ذیل ایدئولوژی مذکر تکرار شده، الگوهای رفتاری برآمده از آن است. این مطالعه نیز به حلقه‌های قدرت مردانه در نقش تعیین کننده و کنترل‌گر، تصریح دارد.

زوئیسلر[۱] (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان «فمینیسم و دین»، نسبت دین و مفاهیم آن با زن‌ستیزی و ستم بر زنان را نشان داده است و معتقد است نقد فمینیستی از دین، به دلیل سنت دینی در تصریح نابرابری‌ها است، بنابراین، اصلاح سنت‌های دینی برای تحقق برابری جنسیتی لازم است. او معتقد است مطالعهٔ دقیق متن دین برای تشخیص همخوانی یا ناهمخوانی احکام و دستورات با آن، لازم و ضروری است.

برهانه[۲] (۱۹۹۹) نیز معتقد است خشونت علیه زنان، واقعیتی جهانی بر اساس باورهای سنتی تحت عنوان اخلاقیات است. باورها و کلیشه‌های سنتی برای کنترل زنان به عنوان جنسیت پست، ساخته و پرداخته شده است و زمینهٔ خشونت‌های گسترده و عمیق را فراهم می‌کند. میدان مطالعه وی، برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی است که در آن‌ها رویکرد سنت، تهی از ارزش فردی و اجتماعی برای زنان است و در نتیجه ممنوعیت‌ها و محرومیت‌هایی برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. محقق انواعی از خشونت‌ها با عمق و گستره بسیار کشف می‌کند که در بستر سنت، تولید و بازتولید می‌شوند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند گفتمان مردسالاری با استناد به دین و سنت، زن ستیزی را برساخت می‌کند. هر چند رویکرد مدرنیته در تقابل با باورها و کلیشه‌ها، پیش می‌رود، اما مفهوم‌سازی در گفتمان مذکور، همچنان موانع بسیاری را ایجاد می‌نماید. مطالعهٔ حاضر در گامی فراتر نشان می‌دهد سوژهٔ فمینیستی به استناد تجربهٔ زیستهٔ خود، روایتگر گفتمان مردسالاری است، در حذف ممنوعیت-ها و محدودیت‌ها کنش‌گری می‌کند و ساختار متصلب مردانه را به چالش می‌کشد. علاوه بر آن، در اکنونیت تقابل‌ها، سوژگی در جنسیت مردان نیز ظهور یافته است و آنان در اعتراضی درون گروهی به رویکرد مردسالارانه، همراه زنان و زمینه‌ساز تغییرات و تحولات هستند.

---

[۱] Zwissler, Laurel

[۲] Ras-Work, Berhane

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

پیشینهٔ نظری

رویکرد زن‌ستیزانه با هدف حذف هویت و موجودیت زنان و نگاه سلبی ساختار به عقل، معرفت و توانمندی آن‌ها، تبعیض جنسیتی و فقدان حقوق و فرصت‌های برابر را موجب شده است. فمینیسم به عنوان سوژهٔ منتقد، در اعتراض به چنین رویکردی و با هدف تغییر و اصلاح انگاره‌های مردمحور، پا به عرصه نهاد. نقد نظام مردسالاری یا سلطهٔ مرد و اعتراض به کاهش غیرمنصفانهٔ نقش و ارزش زن، از مفاهیم محوری فمینیسم و دستیابی به آزادی، حقوق برابر و رهایی قشر حاشیه‌ای عمدتاً زنان از قیود مردانه و شرایط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی کانون توجه آن است (تریسی[1]، ۱۳۹٤: ۱۳٤). فمینیسم نشان می‌دهد نظام مردسالار با در اختیار داشتن ابزار گوناگون قانونی و فراقانونی، در ایجاد و تثبیت روابط عمودی گام برمی‌دارد. در نتیجه در مواجههٔ علمی و منطقی و در فضای آکادمی، نظریهٔ فمینیستی با دیدگاه‌های متفاوت، برای توصیف فرآیند ستم بر زنان و فرودستی آن‌ها در عرف و قانون، تئوریزه شد و به بحث گذارده شد (تانگ[2]، ۱۳۹٦: ۱٦).

سازهٔ سنت، بستری برای تثبیت و نهادینه‌سازی مردسالاری و نابرابری‌ها است. ماکس وبر نشان داد نهاد سنّت، کلیشه‌های جنسیتی را برای باوراندن و قبولاندن نگرش‌های مردانه تولید کرده است، به طوری که امکان بازاندیشی و تغییر در آن تقریباً محال است و در حالت افراط‌گونه در دوران پیشاتجدد، تخطّی از نظم مقدس موجود، ناهنجاری قلمداد می‌شد (مشیرزاده، ۱٤۰۰). سنّت، بستر مناسبی در تولید و بازتولید مفاهیم جنسیتی و ایجاد رضایت نسبی و پذیرش در زنان است. رضایت از وضع موجود، مفهوم هژمونی فرهنگی را به ذهن متبادر می‌کند. گرامشی معتقد است برای سلطهٔ گروه یا طبقه‌ای، میزانی از رضایت در سلطه‌پذیر و رابطهٔ عمودی لازم است. با وجود دستیابی محدود، زنان نمی‌توانند در نقش عاملیت برای تغییر وضع موجود ظاهر شوند، بنابراین، وجود روابط سلطه را می‌پذیرند و در کنش‌های روزمره، آن را بازتولید می‌کنند. هر چند رویکرد تفسیری قائل به خودبازتابی و توانمندی انسان به مثابه انسان (انسان تاریخی، فرانژادی، فراقومی، فراجنسیتی و فراطبقاتی) در مقاومت و کنشگری در برابر هژمونی است، لیکن جبر نهادی همیشه وجود دارد و

[1]. Tracy, Sarah J
[2] Tong, Rosemarie

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

انسان را در کنشگری به چالش می‌کشد. با این وجود انسان معترض به عنوان سوژۀ مقاومت و تغییر، نه از منظر آسیب و کجروی بلکه به مثابه تفسیر آگاهانه از موقعیت، زیست روزمره را روایت و برساخت می‌کند (تنهایی، ۱٤۰۰).

نقش دین نیز به مثابه سنت است. روحانیت، عناصر فکری نظام مردسالاری را از دین برداشت می‌کند و نقش‌های متفاوت و محول جنسیتی را با دلالت بر آیات و روایات تعیین می‌کند. صرف نظر از رویکرد مثبت دربارۀ تکالیف و حقوق مبتنی بر تفاوت‌های ظاهری (بستان، ۱۳۹۸)، در استدلالی دیگر، ساختار فرهنگی، دربردارندۀ سنت و ایدئولوژی، با تولید مفاهیم جنسیتی، ایده‌ها و ارزش‌ها، از نفوذ اجتماعی بالا برخوردارند و تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر اندیشه، نگرش و گرایش گروه مخاطب دارند. آن‌ها با ظرفیت اجتماعی و قانونی برای تعامل هدفمند، به ساخت و تغییر نگرش‌ها اقدام می‌کنند و مرجعیت فکری را بر اساس الگوهای رفتاری تعیین می‌کنند (بهشتی، ۱٤۰۱).

سوژۀ فمینیستی معتقد است رویکرد جنسیتی سنت و برداشت‌های سوگیرانه از دین، زنان را از دستیابی به امتیازات اجتماعی محروم کرده است و وابستگی را موجب می‌شود. کنترل انحصاری منابع توسط مردان، دسترسی‌ها را برای زنان، مقید و مشروط کرده است و آنان را در حصر قرار می‌دهد. پارکین معتقد است تبعیض‌های جنسیتی در زیست روزمره، طبقۀ فرادست و فرودست و حصر اجتماعی فرودستان را موجب می‌شود (گیدنز[۱]، ۱۳۸٤). در رویکردی کلان، کارکرد نهادهای مذکور در ایجاد وحدت، همنوایی و انسجام، معلق می‌ماند، به طوری که با تولید بدعت‌ها در قالب مفاهیم و گزاره‌های سلطه، شاهد کجروی نهاد دین و سنت بر مبنای کنش متولیان آن هستیم (تنهایی، ۱۳۹۰).

با ظهور مدرنیسم، تجددگرایی در تقابل با تفکر و رویه‌های دستوری، آمرانه‌ها و مطلق‌انگاری‌ها، امکان مداخله و مشارکت را فراهم کرده است و مبتنی بر انسان‌مداری و عقلانیت و در تضاد با تسلیم و انقیاد، رشد و بالندگی فکری و عملی انسان را در عرصه‌های گوناگون به

[۱] Giddens, Anthony

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

ارمغان آورده است (مشیرزاده، ۱۴۰۰). سوژه یا کنشگر خلاق، اثرگذار و تعیین‌کننده که از نابسامانی‌های جنسیتی سربرآورده است، اندیشهٔ حقارت و فرودستی در سازهٔ مشروعیت سلسله مراتب قدرت مبتنی بر جنسیت را به چالش کشیده است و ساختار فکری و ایدئولوژیک را دچار تغییر می‌کند. سوژه، عاملیت انسانی تحرکات و جنبش‌های اجتماعی برای ایجاد تغییر روندهای موجود نابرابری و تبعیض‌های اجتماعی و به بیان دیگر عامل تغییر و نه نظم اجتماعی است (تورن[۱]، ۱۴۰۰). سوژهٔ آگاه، هدفمند، مستقل و با اراده، در برابر ساختارها مقاومت می‌کند و در درک معنای خودِ خویشتن، متکی به خود است. او مطالبات فراتر از حقوق برابر را عینیت می‌بخشد (تورن، ۱۳۹۶). بنابراین، مطالعهٔ روایت سوژه از ساختارها و الگوهای رفتاری، گویای نقد بیرونی، نیازها و انتظارات واقعی است. کنشگر، هویت خود را از ابژهٔ نظام مردسالار، به سوژهٔ ساختار شکن تغییر داده است و متحول می‌سازد. در نتیجه روایت زنان از وضع موجود و کنش آن‌ها به معنای انگیزه و عمل هدفمند و خلاق برای رهایی از نابرابری‌ها و تبعیض‌ها است که با مفهوم جنسیت ساخته و پرداخته شده است و مبتنی بر معرفت و آگاهی است، بنابراین اصیل، معنادار و از مشروعیت برخوردار است.

به بیان بلومر، دیالکتیک قدرت میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، ماهیت روابط عمودی را دگرگون می‌کند و حضور نسبتاً مؤثر و ایفای نقش زنان در اجتماع را موجب می‌شود. لیکن همچنان گروه فرادست با ایجاد حلقه‌های قدرت درونی، نظام اجتماعی و اقتصادی را در سیطرهٔ خود قرار داده است و با کنش سخت گیرانه، امکان ارتقاء را نمی‌دهد. بنابراین، گروه‌های تحت سلطه از فرصت‌های برابر نیز برخوردار نمی‌شوند (تنهایی، ۱۳۹۱). ظهور حلقه‌های قدرت در شکل نهادی و ساختاری، همچنان نظام معنایی مردسالاری را تولید و بازتولید می‌کند.

روایت سوژهٔ فمینیستی از دین و سنّت، بیان تجربهٔ زیستهٔ زنان از تفاسیر سوگیرانه و سلطهٔ نهادهای مردسالار است. سوژهٔ فمینیستی، عاملیتی است که بر اساس آگاهی از اکنونیت فرودست خود و هویت و موجودیت مورد انتظار، در مواجهه با اقتدار ساختگی مردانه و سلسله مراتب قدرت، کنش‌های ساختارشکن را پیش چشم نظام مردسالار به تصویر می‌کشد. فردیت، آزادی و برابری به

[۱] Touraine, Alain

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

عنوان مفاهیم تعین بخش جایگاه فردی و اجتماعی زنان، شاکلهٔ هویتی سوژه فمینیستی را می‌سازد. او با رد کلیشه‌های جنسیتی و کنش هدفمندانه، تلاش می‌کند با تغییر در نظام اندیشه‌ورزی و قانونی، زنانگی به تاراج رفته را اعاده و اصلاح نماید و با تقبیح هژمونی فرهنگی، عدم رضایت خود را از فرودستی و حصر اجتماعی نشان دهد. هر چند در این فرآیند به مثابه گذشتهٔ تاریخی، در محاصرهٔ نهادها و ساختارهای مسلط و حلقه‌های قدرت است، لیکن با استراتژی‌های متفاوت و چالش برانگیز بر مواضع خود اصرار دارد. روایت سوژهٔ فمینیستی از دین و سنت، روایت برداشت‌های سوگیرانه متولیان امر دین از دین و بازتولید آن در سنت است. سوژه نشان می‌دهد تفسیر او از موقعیت، چگونه رویه‌های تقابل را با بازاندیشی خود، شکل می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش، با استراتژی کیفی انجام شده است و از نظر ماهیت، بنیادی است. برای کشف داده‌ها، با رویکرد تفسیری- انتقادی، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. رویکرد پژوهش کیفی، کشف و درک معناهایی است که افراد به یک مسألهٔ اجتماعی با بشری نسبت می‌دهند (کرس ول[1]، ۱۳۹۱). تحلیل مضمون نیز، یکی از فنون روش کیفی است که الگوهای موجود در داده‌ها را شناسایی و با تفسیر و تفصیل داده‌های متنی، به تحلیل آن‌ها می پردازد (براون و کلارک[2] ۲۰۰۶). ساراواتی، معتقد است دقت و انعطاف پذیری پژوهشگر و خلاقیت او در تحلیل موضوعی، موجب کشف مشامین فراگیر می‌شود. سه رکنی که در ساماندهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها نقش مهمی دارند (داوادی[3]، ۲۰۲۰).

تحلیل مضمون یک فرآیند است، روشی برای کشف الگوهای درون متنی و فرآیندی برای گزارش و تحلیل آن‌ها است، به نحوی که داده‌های پراکنده را منسجم و غنی می‌سازد. در یک کلام مشاهدهٔ متن، درک مناسب از داده‌ها و تحلیل آن‌ها است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰). گردآوری

[1] Creswell, John W
[2]. Braun, V. & Clarke, V
[3]. Dawadi, Saraswati

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

داده‌ها و برجسته‌سازی بخش‌هایی از آن و واکاوی و استخراج تم‌ها یا مضامین، تحلیل مضمون را معنا می‌بخشد (فراهانی، ۱۴۰۲).

جامعهٔ آماری، زنانی بودند که در زیست روزمرهٔ خود با مفاهیم هنجاری و ارزشی نهاد دین و سنت مرتبط بودند. زنانی که برای دستیابی به اهداف و حقوق خود، تحت فشار و کنترل آن‌ها بودند و برای رهایی از آن کنش می‌کردند. داده ها با مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته گردآوری شد. با اذعان به نمونه‌گیری نظری و هدفمند، نمونه‌های متنوع و نه صرفاً در دسترس انتخاب شدند. حساسیت نظری محقق نیز در فرآیند مصاحبه‌ها و گردآوری داده‌های متقن، مشهود بود. با اتمام ۳۷ مصاحبه نیمه ساخت یافته به شکل حضوری، اشباع نظری حاصل و کفایت داده‌ها اعلام شد. برای سنجش اعتبار، با اتکاء به یافته‌های تحقیق و با توجه به دانش علمی و تجربهٔ عملی و حضور طولانی مدت محقق در میان مشارکت‌کنندگان، یافته‌ها، قابل باور ارزیابی شدند و با راستی‌آزمایی، باورپذیری[۱] حاصل شد. در سراسر فرآیند گردآوری داده‌ها، پژوهش‌گر، سؤالات خود را با نمونه‌ها، دائماً به اشتراک گذاشت و اطمینان‌پذیری[۲] به دست آمد. برای تأییدپذیری[۳] نیز، جداول داده‌ها و کدهای ۵ مصاحبه، در اختیار سه تن از اساتید قرار گرفت، پس از انجام اصلاحات بر اساس نظرات و پیشنهادات داوران، با دست یافتن به یک میان ذهنیت[۴]، اطمینان خاطر از صحت مضامین حاصل شد. می‌توان ادعا کرد بر اساس فهم درونی[۵] و توصیف مناسب و ضخیم[۶] از موقعیت، نتایج تا حد زیادی، قابلیت انتقال‌پذیری[۷] به جمعیت‌های دیگر را دارد.

جدول شمارهٔ یک: ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه شوندگان

ردیف	سال تولد	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	محل سکونت
۱	۱۳٦٤	فوق دیپلم	خانه دار	مجرد	لواسان
۲	۱۳۵۲	فوق لیسانس	شاغل	مجرد	تهران

۱. believability
2. reliability
3. verifiability
4. mutual understanding
5. internal understanding
6. appropriate & thick description
7. portability

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

۳	۱۳٦٤	دکترا	شاغل	مجرد	قم
٤	۱۳٤۲	فوق لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
٥	۱۳۳۹	فوق لیسانس	بازنشسته	متأهل	تهران
٦	۱۳٦۲	فوق لیسانس	شاغل	مجرد	تهران
۷	۱۳۳۹	فوق لیسانس	شاغل	مجرد	تهران
۸	۱۳٤۷	دکترا	شاغل	متأهل	اصفهان
۹	۱۳٥۲	فوق لیسانس	شاغل	متأهل	تهران
۱۰	۱۳٦۱	فوق لیسانس	شاغل	متأهل	کرج
۱۱	۱۳٤٤	دکترا	خانه دار	متأهل	تهران
۱۲	۱۳٦۱	لیسانس	خانه دار	متأهل	تبریز
۱۳	۱۳٥٦	دکترا	شاغل	متأهل	تهران
۱٤	۱۳٦٥	دکترا	شاغل	مجرد	تهران
۱٥	۱۳٦۲	فوق لیسانس	شاغل	متأهل	تهران
۱٦	۱۳٦۱	فوق دیپلم	خانه دار	مجرد	تهران
۱۷	۱۳٤۲	دیپلم	خانه دار	مجرد	تهران
۱۸	۱۳٦٥	فوق لیسانس	خانه دار	مجرد	تهران
۱۹	۱۳٥۲	لیسانس	شاغل	متأهل	کرج
۲۰	۱۳۳۹	فوق لیسانس	بازنشسته	متأهل	تهران
۲۱	۱۳٤٦	لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
۲۲	۱۳۳۸	فوق لیسانس	بازنشسته	متأهل	تهران
۲۳	۱۳٦۸	فوق لیسانس	شاغل	مجرد	تهران
۲٤	۱۳٤٤	دکترا	شاغل	متأهل	تهران
۲٥	۱۳٦۱	دکترا	شاغل	مجرد	تهران
۲٦	۱۳۳۹	لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
۲۷	۱۳٥۱	لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
۲۸	۱۳٤٤	لیسانس	شاغل	متأهل	تهران
۲۹	۱۳٦۱	لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
۳۰	۱۳۷۲	لیسانس	خانه دار	متأهل	تهران
۳۱	۱۳٦۳	فوق لیسانس	خانه دار	متآهل	تهران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

۳۲	۱۳٤۹	فوق لیسانس	شاغل	متأهل	تهران
۳۳	۱۳٤۲	دیپلم	خانه دار	متأهل	دزفول
۳٤	۱۳٤٤	فوق لیسانس	بازنشسته	مجرد	تهران
۳۵	۱۳٤۷	فوق لیسانس	بازنشسته	متأهل	تهران
۳٦	۱۳٤۲	فوق لیسانس	خانه دار	متأهل	محلات
۳۷	۱۳۵٤	دیپلم	خانه دار	مجرد	تهران

در پایان، نمونه‌ها، متولدین بین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲، از نظر تحصیلات ۵ نفر فوق دیپلم و پایین تر و ۳۲ نفر لیسانس و بالاتر، از نظر اشتغال ۱٦ نفر شاغل، ۱٦ نفر خانه‌دار و ۵ نفر بازنشسته و از نظر تأهل ۲٤ نفر متأهل و ۱۳ نفر مجرد بودند.

یافته‌های پژوهش

با مطالعهٔ داده‌های میدان، ۱٤ مضمون فرعی ذیل ٤ مضمون اصلی به دست آمد. بدیهی است با کشف و تدوین این مضامین، امکان شناخت الگوهای فکری و رفتاری نیز میسر می‌شود. این مجموعه همراه با مضمون فراگیر " زوال مشروعیت مرجعیت دینی" در جدول شمارهٔ ۱ درج شده است.

جدول شمارهٔ دو-مضامین مستخرج از داده‌های پژوهش

ردیف	مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضمون فراگیر
۱	نظام مسلط زورگو	سنت مردسالارانه	زوال مشروعیت مرجعیت دینی
۲	جامعه‌پذیری جنسیتی		
۳	جنسیت محروم		
٤	زن به مثابه کالا		
۵	نادیده انگاری بلوغ جنسی		
٦	وابستگی مالی		
۷	ابژه‌سازی		
۸	جنسیت فرودست	خوانش ایدئولوژیک نظام سیاسی مسلط	
۹	تولید و بازتولید خشونت		
۱۰	رویه‌سازی فرهنگی		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

۱۱	تغییر نقش روحانیت	واپس گرایی	
۱۲	ارتجاع و تجدید برده‌داری		
۱۳	اعتبار زدایی		
۱٤	تضاد مثبت و درون‌گروهی	ظهور عقلانیت	

سنت مردسالارانه

سنت مردسالارانه، الگوهای رفتاری زیست روزمرهٔ مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که در آن مردان، جایگاه‌ها، ارتباطات و تعاملات را تعیین می‌کنند و با تصاحب ثروت و قدرت، در یک رابطهٔ عمودی مبتنی بر فرادستی- فرودستی، کنترل همه‌جانبهٔ حیات فردی و اجتماعی زنان را به دست می‌گیرند. نابرابری در دستیابی منابع و فرصت‌ها در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اصلی مهم و نهادینه و تصریح بخش سلطهٔ مردان است. رویکرد مهم در این روابط، نگاه دوگانه و متفاوت به زنان و مردان است. تبعیض جنسیتی مواجههٔ ناعادلانه و نابرابر با آحاد و اقشار جامعه بر اساس جنسیت آن‌هاست به شکلی که سیاست‌ها با رویکرد فرودستی زنان و لزوم بقاء بر آن، تدوین و اجرایی می‌شود. فرصت‌های نابرابر و عدم برخورداری‌ها، طبقات معارض اجتماعی و تزاحم‌ها و تقابل‌ها را به وجود می‌آورد. نابرابری در فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای، تفاوت در دستمزد و حقوق، محدودیت در مشارکت سیاسی و اجتماعی در سطح مدیریتی و تصمیم‌گیری، تبعیض در حقوق و قوانین مربوط به خانواده و ازدواج و موارد بسیار دیگر، از شاخص‌های تبعیض جنسیتی هستند. نظم جنسیتی موجود بر اساس قواعد تبعیض، به استمرار و بازتولید آن کمک می‌کند. در جوامع دینی، تبعیض جنسیتی بر مبنای ایدئولوژی در قالب ساختارهای فرهنگی، برساخت می‌شود و در سنت نمود می‌یابد. همسازی سنت و دین و درهم تنیدگی مفاهیم آن‌ها، در روزمرگی‌ها و روابط خرد و کلان عینیت می‌یابد. این نظم جنسیتی در ساحت‌های دیگر نیز تبلور یافته است و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های فراگیر را عملیاتی می‌سازد.

نظام مسلط زورگو

ریخت‌شناسی جامعهٔ ایران، با وجود حرکت در مسیر توسعه، گویای سلطهٔ نظام مردسالار است. نظامی که در آن الگوها و هنجارهای سنتی، حاکم است و اراده و اختیار مردانه، تعیین کنندهٔ نوع و شکل رفتارهای فردی و اجتماعی است. زنان از تصمیم‌سازی و اقدام، در این نظم ساختگی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

محروم هستند. هنجارهای عرفی با معیارهای مردانه تعیین می‌شوند و پذیرش منفعلانه، مطالبه می‌گردد و هر گونه کنش‌های اعتراضی، موجب واکنش‌های شدید می‌گردد:

"مامانم محصل بوده، عموش میاد با تشر و توبیخ، اونو از مدرسه میبره، معلم‌ها اعتراض میکنن ولی اون میگه دختر باید تو خونه باشه، کار کنه، میخواییم شوهرش بدیم، همه اش دنبال خونه نشینی زن‌ها بودن، الانم همونجوره، روشها فرق کرده، اون تفکر سنتی هنوز هست"،" زن ایرانی نباید بدون اجازه حرف بزنه، بیرون بره، حق تحصیل و کار نداره، حق طلاق نداره، حق حضانت فرزند رو نداره، نمیتونه شاهد باشه و شهادت بده، مرد مالک زنه بعد ازدواج، سنت ماست، فرهنگمونه" (کدهای ۷ و ۳۶).

جامعه‌پذیری جنسیتی

در جوامع ایدئولوژیک، سنت به عنوان الگوهای رفتاری، بخش قابل توجهی از عرف هنجاری و دین را روایت می‌کند و عمل فردی و اجتماعی را تعیین می‌کند. سنت، با ایجاد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها برای زنان و با ابزارهای عرفی، نسبت به نادیده‌انگاری قواعد آن، واکنش شدید نشان می‌دهد. سنّت در این معنا، طیّ سالیان دراز، برهم افزوده شده است، در قالب رسوم غیر قابل تغییر، فرآیند جامعه‌پذیری را جریان می‌بخشد و با الگوهای هنجاری، مانع اعتراضات می‌شود. سنت بخشی از فرهنگ و مبتنی بر اندیشهٔ دینی قائم به فرودستی زنان است. قواعد و آموزه‌های اخلاقی با معیار عرف سنجیده می‌شود و افراط‌ها معنای ایجابی پیدا می‌کند و تبدیل به رسومات هنجاری می‌شود، به گونه‌ای که تغییر در آن‌ها یا غیر ممکن است و یا به سختی صورت می‌گیرد. التزام به سنت نیز معیاری برای حفظ هویت جمعی است و عدم التزام، طرد شدگی را به دنبال دارد. روایت زنان نشان می‌دهد قواعد سنت با برداشت‌های سوگیرانه از دین، الگوهای فکری و رفتاری را موجب شده است و قواعد بازدارنده را تعیین می‌کند:

"از بچگی تو گوش دخترها میخونن که باید به مرد خدمت کنی، باید در برابر ظلم‌هاش سکوت کنی، شوهرم می‌گفت من مَردم و باید احترامم تو خونه حفظ بشه، دیگه از بچگی اینجوری تو کله‌اش کرده بودن و یادش داده بودن تو مردی و باید زور بگی، می‌گفت زن عددی نیست که آدم بخواد براش انرژی و وقت بذاره، یعنی میدونین استبداد و ظلم تو وجود مردهاس، اونم به تربیت و فضای سنتی و دینی ما برمیگرده، یادشون دادن که زور بگن و به ما هم گفتن باید ساکت باشین"، " تا میخواستم به تندخویی های شوهرم اعتراض کنم، از ترس حرف دور و بریا ساکت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

میشدم، یعنی هیچکس حرفمو گوش نمی‌کرد، اصلا یادمون داده بودن باید همینجوری باشه، مردها فحش بدن و زنها سرشون رو بندازن زیر" (کدهای ۱۶ و ۲۴).

جنسیت محروم

یکی از عوامل تأثیرگذار در ازدواج‌های ناموفق، رویکرد بسته و سبک زندگی خانواده‌های مذهبی است. روایت زنان نشان می‌دهد بر اساس رویه‌های سنتی و دستورالعمل‌های دینی، برقراری هرگونه ارتباطات پیش‌زمینه‌ای برای شناخت طرفین قبل از ازدواج، ممنوع و یا بسیار محدود است. در واقع امکان تعامل بین دختر و پسر پیشا ازدواج تقریباً نزدیک به صفر است. این تجربه در دیگر بسترهای زندگی روزمره نیز قابل مشاهده است:

"*والدینم خیلیی مذهبین، نداشتن با واقعیات جامعه روبرو بشیم، آدم‌های اطراف و حقوق مون رو بفهمیم، خونواده بسته‌ای بودیم، یعنی با هیچکس حرف نمی‌زدیم، اصلن یه پسر نمی‌دیدیم، صاف میرفتیم مدرسه و برمی‌گشتیم، تجربه کسب نکردیم به خصوص تجربه شناخت یه پسر، اگه تو مهمونیا یه پسر بود، ما رو میکردن تو اتاق" ،"ما تو خونواده سنتی مون، هنوزم توسری خوریم، تا می‌خواییم حرفی بزنیم، میگن تو هیچی حالیت نیست، دختر رو چه به این غلطا* "(کدهای ۱۴و۲۳).

زن به مثابه کالا

در جامعهٔ دینی ایران، دختران همیشه باید در معرض انتخاب و ارزیابی بدن قرار گیرند. دینداران علیرغم تأکید بر معیارهای اخلاقی و اصالت خانوادگی، در عمل، از این موضوع طفره رفته‌اند و در رویکردی متضاد، حقیقت اندیشهٔ خود را ظاهر می‌سازند. بدن زن و تمتع جنسی، عالی‌ترین هدف و اولویت معیار انتخاب است. دین در خانوادهٔ مذهبی سنتی، با نگاه کالایی و بیمارگونه به زن، کارکرد واقعی خود را از دست می‌دهد و در این فضا تحقیر زنان برساخت شده است و ترویج می‌یابد:

"*این مذهبیا فقط خوشگلی دختر براشون مهمه، یکی از دوستام برای پسر ۳۵ ساله‌اش که متارکه کرده و یک فرزند ۸ ساله داره، دنبال دختر می‌گرده، هر کسی رو بهش معرفی می‌کنم، قبول نمی‌کنه میگه یه دختر کم سن و سال و زیبا میخوام، با اینکه خیلی مذهبیه، ولی دنبال ملکه زیبایی می‌گرده، برای پسر یکی دیگه از دوستام هم که روحانی آس و پاس و واقعن کم بضاعت و زشت چهره‌اس، با خونواده مذهبی دو آتیشه، یه دختر حافظ قرآن پیشنهاد دادم، قبول نکرد، گفت یه دختر بچه سال*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

و زیبا میخوام، تعابیری که به کار می‌برد، بسیار زننده بود، جالبه که معیارهای مذهب در انتخاب همسر، برای پسره اصلاً مهم نبود، مادرش میگفت بچه‌ام چشم پاکه، باید زنش خیلی خوشگل باشه تا به این و اون نگاه نکنه" (کد ٤).

سنت نیز با همان رویکرد، وارد می‌شود و با فشار افکار عمومی، علیرغم کارکرد تسهیل‌گری، مانع تراشی می‌کند و امور روزمره را به چالش می‌کشد. ارزش‌گذاری‌ها و هنجارسازی‌ها، از انسان، موجودی معلول می‌سازد که توان حرکت ندارد و به ناچار باید در برابر واکنش‌های تهاجمی سنت مدارا کند و از خود انعطاف نشان دهد. سنت، بسیار قوی تر از قانون عمل می‌کند و جنبهٔ بازدارندگی یا تحریک کنندگی بیشتری دارد زیرا بر افکار عمومی متّکی است. کنش کنشگران باید به تأیید سنت برسد و در راستای عملیاتی کردن مفاهیم آن باشد. در اینجا نیز سایهٔ تبعیض جنسیتی به وضوح مشاهده می‌شود. تجربهٔ زنان نشان می‌دهد که بر اساس قواعد سنت و عرف، عملی مشابه توسط زن و مرد، مورد قضاوت‌های متفاوت قرار می‌گیرد:

" نمی‌فهمم یعنی چی که پسر میتونه قبل از عقد یه نظر دختر رو عریان ببینه!! مگه میخواد جنس بخره؟!!جالبه که اگه ما چنین انتظاری داشته باشیم، از خونه بیرون مون میکنن، هزار جور اتهام به ما میبندن، ما حتی بخواییم با یه پسر بریم بیاییم و حرف بزنیم هم بهمون اجازه نمیدن، در حالیکه این حق منه که زیر و زبر یک پسر رو درآرم و بشناسمش، حقوقم رو بهش بگم، چیزی که تو کشور اسلامی ما، بهش توجهی نمیشه، رسوم بیخود و دردسر ساز داریم که دست و پای آدم رو میبنده"، " یه خواستگار داشتم، میدونست که قبلاً دو بار ازدواج کردم، خانواده‌اش مخالفت کردن و نذاشتن، حالا اگه یه پسر، ازدواج و متارکه داشته باشه و بیاد سراغ یه دختر، تشویقش هم می‌کند و میگن اینکار درسته، این فرهنگ و سنت مزخرف جامعه ماست" (کدهای ١٦ و ١٤).

نادیده انگاری بلوغ جنسی

بلوغ و نیاز جنسی دختران، از موضوعاتی است که طرح آن موجب واکنش سلبی جامعه و بازتولید تبعیض می‌شود. طرح مسائل جنسی دختران، به نوعی تابوست. بنابراین، ناگفته‌های این مهم به دلیل تجاهل و تغافل سنت، موجب آسیب‌های جدی می شود. برچسب زنی‌ها و کلیشه‌های جنسیتی، در چنین فضایی، بیش از پیش به چشم می‌خورد. ورود به حوزهٔ خصوصی دختران و ارزیابی آن‌ها با معیارهای خودساخته، دختران را در انزوا می‌برد و پتانسیل قوای ذهنی و جسمی آن‌ها را مسکوت و بلکه بی‌حاصل می‌گذارد:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

"اینجا دخترا تا می‌خوان راجع به مسائل جنسی حرف بزنن، به هزار و یک صفت بد متهم میشن، ولی پسرها خیلی راحت میتونن بلوغ جنسی شون رو بگن و زن بخوان" "چرا خانواده پسر باید بیان از رابطه جنسی اولین شب ازدواج پسرشون مطلع بشن و تو بوق و کرنا کنن به اسم روز پاتختی، این بی‌حرمت کردن دختر و بی ادبیه محضه؟!!"، "اگه منِ دختر برم به خونواده‌ام بگم من از این پسر خوشم اومده، فکر می‌کنین ازم قبول می‌کنن؟ منو می‌کشن" (کدهای ۸، ۱۰ و ۱۶).

وابستگی مالی

ته نشست‌های ذهن جامعهٔ سنتی، مملوّ از باورهایی است که فرودستی زنان را بازتولید می‌کند. به بیان دیگر کسب پایگاه اجتماعی به واسطه تحصیل و اشتغال نیز نمی‌تواند جایگاه زنان را در روابط روزمره، ارتقاء دهد و آنان را هم ردیف مردان قرار دهد. تفکر دینی و سنتی همچنان تمایل به حفظ رابطهٔ فرادستی –فرودستی دارد و وابستگی اقتصادی زنان و به تبع آن دیگر بخش‌ها را امری لازم و مقدس می‌داند. اصرار عناصر فرهنگی سنت به استناد دین، بر نهادینه سازی این اندیشه، هویت مستقل آن‌ها را مخدوش می سازد و قدرت کنشگری و چانه زنی را از آنان می‌گیرد:

"اینکه میگن مرد باید خرج خونه رو بده، نه فکر کنین میخوان عزت سر زن بذارن، نخیر، میخوان اونو وابسته نگهدارن، یکی از بستگانم شاغله، شوهرش تمام حقوقش رو ازش می‌گیره، تو برنامه سمت خدا هم روحانیه میگفت کارت پول تون رو بدین به شوهرتون، اون میدونه چه جوری خرج کنه" (کد ۱۱).

ابژه‌سازی

شکل تمام عیار وابستگی، زنان را منفعل و از آنان ابژه می‌سازد. مفاهیم و ارزش‌های دین و سنت در بسیاری از موارد، در تعارض با نیازهای انسانی و حقیقت وجودی زنان است. سنت، قالب فکری و رفتاری است که خارج از ارادهٔ فرد صورت‌بندی می‌شود و به انسان تحمیل می‌شود. در ایران به دلیل سلطهٔ ایدئولوژی، ملاحظات سنت در بخش روابط زن و مرد، اغلب بر مبنای نفع جنسیتی است. به عبارت دیگر در محتوای سنت، رابطهٔ برد برد وجود ندارد، زیرا این امر با رابطهٔ عمودی در تضاد است و مردان را از جایگاه خود تنزّل می‌دهد. جنسیت برتر، مرد است و باید محتوای سنت این برتری را آموزش دهد و مطالبه کند. سنت به استناد فرهنگ گذشتگان و با فشار افکار عمومی، لازم‌الاجرا می‌شود. آموزگاران افکار سنتی تلاش می‌کنند زنان را نسبت به وضعیت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

موجود، بی تفاوت سازند تا پذیرش وضع موجود و عدم تغییر آن و همچنین سلطهٔ ماندگار مردان و واماندگی زنان فراهم شود:

"مامانم هیچ‌وقت اعتراض نمی‌کرد، نمیتونست اعتراض کنه، حق نداشت، پذیرفته بود خدمت کردن به مرد وظیفشه، تو کله‌اش کرده بودن، فکر می‌کرد حق اعتراض نداره، زشته، مرد ناراحت میشه، خفه خون می‌گرفته"،"بعضی از زن‌ها هیچوقت هیچی از مرد نمیخوان و نیازشون رو نمیگن، از ترس اینکه بهشون نگن چقدر پررو هستین، همیشه گوش به فرمانش هستن، هر چی اون بخواد و بگه، همونه" (کدهای ۲ و ۱۲).

خوانش ایدئولوژیک نظام سیاسی مسلط

تجربهٔ زیستهٔ زنان نشان از الزام تبعیت از الگوی تعیین شده توسط روحانیت دارد، الگویی که برآمده از برداشت‌های سوگیرانه از منابع دینی و رویکردهای سلیقه‌ای است. روایت‌ها نشان می‌دهد اندیشهٔ حاکم بر الگوهای رفتاری، زنان را در جایگاه پست و فرودست قرار می‌دهد، خشونت‌ها را فراگیر می‌کند و تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را بازتولید می‌کند. یکی از چالش‌های جدی که زنان با آن مواجه هستند، بحث "ولایت" است. ولایت به معنای سرپرستی، در قانون مدنی ایران از محتوای اصیل خود تهی شده است و زمینهٔ ایجاد خشونت علیه زنان را فراهم کرده است. زنان معتقدند بر اساس قانون ولایت، مرد مالک زن است و در نتیجه تمام اختیارات با او است. علاوه بر آن، در شدیدترین حالت، خشونت‌های او نسبت به زن، جرم انگاری نمی‌شود و مجازات مناسب و مکفی دریافت نمی‌کند. این نوع مواجهه با خشونت‌ورزی و جرم‌زدایی و تطهیر به پشتوانهٔ قانون، افکار عمومی را جریحه‌دار می‌سازد. به‌طور کلی روحانیت در نقش عاملیت دین، با ایجاد ترس و دلهره از عقوبت جهان آخرت، زنان را وادار به پذیرش قالب‌های ساختگی می‌کند:

جنسیت فرودست

روحانیت در نقش متولی دین، در جهت فرودستی زنان کنش می‌کند. تلقین ضعف و ناتوانی برای پذیرش ذهنی هژمونی سلطه، از زنان موجوداتی وابسته می‌سازد که نمود آن در زیست روزمره آشکار است. تقلیل نقش فردی و اجتماعی زنان به ابزاری برای تأمین نیازهای مردان و باور به این رویکرد، تعاملات را به مخاطره می‌اندازد و سرمایه‌های اجتماعی را از بین می‌برد:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

"روحانیت میگه تکلیف دینی زن، شوهرداری، خونه داری، بچه داریه"، "میگه کارت بانکیت رو بده به شوهرت، اون بر اساس شرع بهتر میدونه چه جوری خرج کنه"، "استاد معارف دخترم، همه اش زن رو تحقیر می‌کرده و در برابر اعتراض، نمره نمی‌داده" (کدهای ١٦و ٤).

روحانیت در نظامی هماهنگ با ابزارهای گوناگون، ضمن تصریح بر کارکرد جنسی در روابط زوجین، نقش همسری و مادری را تنها نقش زنان قلمداد کرده است، در بستر آن، رابطهٔ فرادستی – فرودستی را تصریح می‌بخشد و حفظ نظام اجتماعی را منوط به آن می‌داند. هر چند ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، فرودستی زنان را استمرار می بخشد، ولی استقلال مالی، زنان را مهیای کنش برای تغییر وضع موجود و غلبه بر فرودستی می‌نماید. دغدغه و نگرانی روانی با کسب قدرت به واسطهٔ پول و ایجاد قدرت چانه زنی، مرتفع می‌گردد. رویکردهای زن‌ستیزانه با احکام الزام‌آور دینی و نقش‌های تحمیلی، به چالش کشیده می‌شود و سوژه‌های اعتراض و مقاومت شکل می‌گیرد:

"تمام حرف آخوند اینه که مردها زور بگن و زن‌ها گوش کنن، زن فقط مال نیاز جنسیه، خوب این دیگه زندگی نیست" ، " بدبختی همه این‌ها رو آخوندها قانونی کردن، هزار تا خیانت و بدرفتاری مرد رو نمیبینن، ولی اگه نیاز جنسیش رو توجه نکنی، محکومت میکنن، اصلا تو دادگاه نمیذارن حرف بزنی"، " میگن زن نباید از خونه بره بیرون، چون می‌خوان از نظر اقتصادی به همسرش وابسته باشه، این اول بردگی و بدبختیه، پول وسیله‌ای برای کنترل زنه" "اگه زن‌ها درآمد داشته باشن، ظلم‌ها، توهین‌ها، آزارها و تحقیرها رو تحمل نمیکنن، وقتی دارن خفه میشن، خوب جدا میشن، دیگه نگران گذران زندگی نیستن" ، "آدم میخواد بره دنبال کار و درآمد تا بتونه از خودش دفاع کنه، اونم که هزار تا مانع گذاشتن، یا کار نیست، یا اجازه شوهر میخواد، یا آخوندها حکم میکنن، خلاصه میخوان همیشه زن زیردست باشه" (کدهای۱۱، ۲۹، ۱۹ و ۱۳).

تولید و بازتولید خشونت

خشونت، نابرابری، فقدان عدالت جنسیتی، حقوق یکطرفه و ظالمانه، نقش تعیین‌کنندگی مرد و بی معنایی در هویت و موجودیت، بر زندگی زنان سایه افکنده است و ابهامات بی پاسخ بسیاری نسبت به منشأ صدور آن در متن دین، ایجاد کرده است. بدیهی است رویه‌های مرسوم، به بازتولید بستر آسیب‌زا کمک کرده است و موجب تخریب اعتماد و اغلب فروپاشی روابط می‌شود:

"از یه روحانی پرسیدم: میگین زن ناشزه رو باید کتک زد، اونوقت مرد چی؟ گفت: بهش محبت کنید، جواب‌های مسخره !" " بابت ضرب و جرح از شوهرم شکایت کردم، قاضی که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

روحانی بود، اصلا اونو جرم تلقی نمی‌کرد، یه جوری میخواست منو راضی کنه شکایتم رو پس بگیرم، آخرش گفت شوهرت رو عصبانی نکن، تو عصبانیت نون و حلوا خیر نمیکنن" (کدهای ۵ و ۲۴).

یکی از مصادیق خشونت، قانون ولایت مرد بر زن است که با ادعای ابتناء بر محتوای دین، حد اعلای سلطه و عدم امنیت جسمی و روانی زن را موجب می‌گردد. هر چند عقلانیتی بر این قانون حاکم نیست، لیکن بر اساس این قاعده، مالکیت جان و مال و جسم و روح زن و فرزند، در دست مرد است. افکار عمومی نیز به حکم اجبار در ترویج این اصل، نقش به‌سزایی دارد. هر چند این قاعده، اعطاء مسؤولیت اقتصادی را به ذهن متبادر می‌سازد، ولی در بستر اجتماعی و سلطهٔ دین و سنت، مضمحل شده است و به عنوان قانونی فراگیر مورد اعتنا و مبنای دادرسی قرار گرفته است:

"دیدین چه راحت پروندهٔ قتل رومینا رو بستن؟!! مگه باباش اونو نکشت؟ چرا اعدامش نمیکنن؟ چون پدر، ولیِ فرزنده و میتونه اونو بکشه، این قانون اسلامه؟!! " قاضی بهم گفت، پدر ولی (سرپرست) بچه است، صاحب اختیارشه، اگه آسیبی ببینه، باید جوابگو باشی، گفتم منم به همون اندازه حق دارم، نوکر و کلفت نیستم که لازم باشه جواب پس بدم، این ظالمانه‌اس" (کدهای ۱۴ و ۳۱).

رویه‌سازی فرهنگی

روحانیت در مقام قضاوت، به استناد دین، روابط فراهمسری را ترویج می‌کند. این رفتار ناهنجار و ضد ارزش، مقبولیت عام ندارد و اعتراض زنان را برانگیخته است. سیطرهٔ روحانیت با افکار پوسیده سنتی بر نهاد قانون و مصوبه تعدد زوجات و همچنین قضاوت‌های ناعادلانه ناشی از آن، امنیت روانی زنان را به مخاطره انداخته است، روابط را متلاشی کرده است و خانواده را با بحران جدی روبه‌رو کرده است و می‌کند. از نظر زنان، تعدد زوجات عملی تنوع طلبانه و مبتنی بر هرزگی و ضد ارزش‌های اخلاقی است که حقوق و شأنیت آنان را برنمی‌تابد، به حریم خصوصی زنان تجاوز می‌کند و آن‌ها را در تنگنای عاطفی و اخلاقی قرار می‌دهد. در این میان، تضاد روحانیت سنتی و مدرن در تأیید و تقبیح تعدد زوجات، گویای جعلی و خودخواهانه بودن این عمل است. روحانیت سنتی با استفاده ابزاری از دین، مهر تأیید بر نابرابری، تبعیض و خشونت علیه زنان می‌زند و کنترل و سلطه بر آن‌ها را هدف قرار می‌دهد. به بیان زنان، روحانیت، تسهیل‌گر نظام مردسالاری و تخریب‌گر خانواده است:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

"داماد یکی از دوستام، مدام با این و اون بود، شکایت کردن، قاضی تأیید کرد، گفت تو اسلام دست مرد بازه، من میگم اینا منطقی نیست، جنایته در حق یه زن، دختره جدا شد"، " اسلام اینا، اسلام واقعی نیست، توش دست بردن به نفع مردها، هر چیز زشت و بدی رو تأیید میکنن چون مردها اینجوری خوششون میاد"، "خیلی از روحانیا توصیه میکنن به تعدد زوجات، تلویزیون، بیلبوردهای، کتابای مدارس همه دارن تبلیغ میکنن، سخنرانها تو مسجد" (کدهای ۱، ۷ و ۳۷).

روایت زنان نشان می‌دهد نهاد روحانیت با مداخلهٔ آمرانه در فضاهای زنانه و تابوسازی، امکان برخورداری از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی را معطل می‌گذارد و سبک زندگی را به فراخور رویکرد خود تعیین می‌کند. نهاد مذکور برای استمرار در رویه‌های سنّتی، تلاش می‌کند و با ارزش‌های مردمحور و هنجارهای آمرانه، زیست روزمرهٔ زنان را کنترل می‌کند. سلطهٔ این نهاد بر دیگر نهادهای رسمی و غیر رسمی، مفاهیم مذکور را آموزش می‌دهد و فرهنگ‌سازی می کند. در این میان، حقوق شهروندی ایجاب می‌کند، برنامه‌سازان متخصص و دانش‌ورز، فرصت‌ها، امکانات و خدمات را در اختیار همگان قرار دهند. برابری و برخورداری‌های یکسان، اصل مهم و لاینفک عدالت اجتماعی است. بدیهی است باورهای سلیقه‌ای و ایدئولوژیک، به تبعیض‌های جنسیتی منجر می‌شود و به روابط اجتماعی آسیب می‌رساند:

"همیشه آموزه‌های دین برام ابهام داشته، بهش اعتراض دارم، روحانیا دین رو برای مردم ترجمه میکنن دیگه"، "هر کاری میخواییم انجام بدیم، فریاد وااسلامای علما بلند میشه، دوچرخه‌سواری زن به اینا چه ربطی داره که به خودشون اجازه دخالت میدن؟! این حروومه، اون حروومه، ورزشگاه جای زن نیست! اینا باید افکار پوسیده رو دور بریزن، اینا دخالته"، "دولت میخواد مدرسه یا ورزشگاه برای خانم‌ها افتتاح کنه، روحانیه میاد جلو، نمیذارن دو تا متخصص نظر بدن"،" ... تفکر آخوندها حتی تو مدرسه و دانشگاه هم هست، از بچگی بچه‌ها رو آموزش میدن این افکار رو بپذیرن، اینکه زن یه موجود زیردست بدبختیه که باید مردها بهش حکومت کنن و براش تصمیم بگیرن" (کدهای۸، ۳۱، ۳۲ و ۳۷).

واپس‌گرایی

در جوامع دین‌مدار، روحانیت به عنوان متولی امر دین، مردم را با ارزش‌های دینی آشنا می‌کند و هنجارهای مربوط را گوشزد می‌کند و با تفسیر مفاهیم و آیات و روایات، دستورالعمل‌ها را تعیین می‌کند. ترویج فرهنگ دینی و قوانین آن، از دغدغه‌های روحانیت است. نظارت بر رعایت قوانین و دستورالعمل‌ها و مداخلات مؤثر برای حل بحران‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی آحاد مردم در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

حوزۀ دین و اخلاق، به اشکال مختلف، برحسب ویژگی‌های جامعۀ مورد نظر، توسط روحانیت انجام می شود، بنابراین، مورد اطمینان جامعه است. روحانیت با ایفای نقش محول در تداوم سنت‌ها، هویت فرهنگی و دینی را تثبیت می‌کند، بنابراین، تجربۀ، تاریخی نشان از عاملیت مصرّح نهاد روحانیت در زیست روزمره دارد. آن‌ها تلاش می‌کنند قواعد زیست قرون گذشته را که انسان از رشد عقلی برخوردار نبوده است، نیازها محدود و ناچیز بوده است و درکی از توسعه وجود نداشته است، به زنان تحمیل کنند. بنابراین، به استناد داده‌های پژوهش حاضر، اندیشه و کنش‌های روحانیت در جهت تقویت و ماندگاری عناصر رویکرد مردسالارانه است. زن‌ستیزی، نادیده‌انگاری حقوق مسلم زنان و بسترسازی برای تصریح تبعیض‌ها و نابرابری‌ها از مسلمات اندیشه و گفتار آنان است.

تغییر نقش روحانیت

روحانیت با سیطره بر فضای عمومی، ضد نقش خود عمل می‌کند. در گذشته مساجد و منابر مانند دیگر رسانه‌های جمعی، محل آموزش، ترویج مفاهیم و احکام شریعت و همچنین مرجع امنی برای خودسازی و ارتقاء معنوی و همچنین رفع مشکلات احتمالی بوده است، لیکن با نگاه و آموزه‌های جنسیتی متولیان آن، کارکرد خود را از دست داده است و به ضد خود تبدیل شده است. انگارۀ زن‌ستیزی موجب اعتماد زدایی و زمینۀ تغییرات نظم موجود شده است:

"تو مسجد روحانیه مدام با آیه و روایت، یه جوری نشون میده که مردا هر کاری دلشون بخواد در مورد زن، میتونن انجام بدن و اونام باید تسلیم بشن، قبلا اینقدر این موضوع شدید نبود، خوب اینم کاسبی شونه، پول بهشون میدن برن رو منبر علیه خانمها حرف بزنن"" مامانم میگفتن هر مشکلی داشتیم میرفتیم پیش امام جماعت، حل و فصلش میکرد، الان فقط زن رو محکوم میکنن" ، " اگه دقت کنین تمام برنامه‌های تلویزیون پر شده از آخوندهایی که مدام زن‌ها رو منکوب و مردها رو موجه میکنن، زنها رو وادار میکنن تمام خشوت‌ها رو قبول کنن، مدام هم میگن دین اینو از زنان خواسته (کدهای ۱۶ و ۳۵).

ارتجاع و تجدید برده‌داری

وجود برخی منابع مکتوب و استناد عملی به آن در جامعۀ مردسالار، نشان دهندۀ بازتولید تفکر غیر انسانی نسبت به زنان است. تصوری از موجودیت زن در جایگاه پست فردی و اجتماعی، بازگشت به گذشته و تجدید دوران برده‌داری لیکن با روش‌های نوین است. رویکرد پست انگاری به زن با تأسی به منابع مکتوب در حوزۀ دین، مایه تعجب زنان است. منابعی که توسط روحانیت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

به صورت مکرر خلق و بازخوانی شده است، به عنوان قاعده‌ای برای زیست روزمره تعیین می‌گردد. حاکمیت مطلق و اقتدار نامشروع با کاربرد این مفاهیم، امکان کلیشه‌سازی و برچسب زنی در مورد زنان را فراهم کرده است و نگاه ابزاری به آنان را تصریح می‌کند:

"احادیثی وجود داره که با عقل سازگار نیست ولی در نگاه مردها به زن‌ها و تعیین رفتارشون، مدام بهش استناد میشه، مثل حکم لزوم اجازه شوهر، زن انسانه و آزاد، مختار و مستقل، یه روایت دیدم که نوشته بود زن مثل بهائمه یعنی چهار پاس، میگه خداوند زن را مثل اسب آفرید برای لذت و رفع حوائج مرد، خوب روحانیت هم عقلش رو تعطیل کرده و ارجاع میده، البته تمام این دست و پا زدنای آقایون، برای اینه که میخوان زنها مثل قبل، برده اونا و بله قربان گو باشن، هی میگردن حدیث پیدا میکنن که خدا اینو گفته، خدا اونو گفته، ولی عقل تأیید نمیکنه و از اساس باطله، عقل چیز شریفیه، هیچکدوم از این چرت و پرت‌ها با عقل آدم سازگار نیس"، " اینکه به اسم دین هنوز از کلماتی مثل اجازه، رضایت، اطاعت و این چیزها صحبت میشه، یعنی زن‌ها آزادی و اختیار ندارن و مردا باید براشون تصمیم بگیرن، میگن ناقص العقلی، به جای اینکه حقوق زن‌ها و دخترها رو به عنوان یک انسان، محترم بشمارن و مردا رو وادار به رعایتش بکنن، تضییع حقوق زنان سرلوحه کارشونه و به اسم دین اون‌ها رو تو تنگنا قرار میدن" (کدهای ۳۲ و ۲۱).

اعتبارزدایی

رویکرد جنسیت زده روحانیت با استناد به متون دینی، موجب تصریح نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی شده، در نتیجه زنان از آنها اعتبار زدایی کرده‌اند. روحانیت مصرّانه تلاش می‌کند به استناد مفاهیم قرآنی و روایی، زنان را در جایگاه فرودست اجتماعی قرار دهد. سابق بر این، امکان طرح سؤال و ابهام برای ابژه‌های این نظام، بسیار محدود است و ترس از هجمهٔ افکار عمومی و عقوبت آن جهانی، موجب پذیرش اجتماعی بود. لیکن امروزه، گسترش منابع اطلاعاتی و دسترسی آسان و خروج زنان از انفعال و مواجههٔ منطقی و عقلانی با موضوعات، زمینهٔ طرح رویکردهای انتقادی را در ساختار اندیشه‌ورزی اقشار گوناگون به خصوص نسل جوان ایجاد کرده است، به نحوی که هر گونه ادعا و دستورالعمل روحانیت، مورد سؤال، واکاوی و اعتراض قرار می‌گیرد، به چالش کشیده و رد می‌شود و یافته‌ها در این تزاحم، معیاری برای عمل می‌گردد. تجربهٔ زیسته زنان نشانگر بی‌توجهی به نیازهای آنان و رویکرد ابزاری روحانیت به زن است:

"مامانم برای سؤالات شرعی، میرفت پیش امام جماعت یا نماینده مرجع، الآن نمیره، میگه اونا به حرف، نیاز و حقوقم اصلا بها نمی دن" "خانم‌ها امروزه، به این حرفها توجهی نمیکنن و اصلاً

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

روحانیت رو با این افکار بسته و انحرافیش، قبول ندارن، مرجع اونا تغییر کرده، تو این روزگار اینقدر راه‌های مختلف هست که آدم حقیقت رو بفهمه و بدونه حقوقش چیه؟ " (کدهای ۳۰، ۱۶، ۲۰، ۶ و ۲۵).

زنان معتقدند تفکرات مردسالارانه و دستورالعمل‌های خودخواهانهٔ روحانیت، زمینهٔ خشونت‌ورزی مردان را فراهم می‌کند و آن‌ها را در پست‌ترین جایگاه اجتماعی قرار داده است. یکی از موضوعاتی که از روحانیت اعتبارزدایی کرده است، تصریح آن‌ها بر عاملیت زنان در اقدام مردان به خودارضایی است. هر چند در حوزهٔ روان شناسی، خود ارضایی به عنوان یک عمل جنسی بیمارگونه با ریشه‌های فردی و بعضاً اجتماعی است، لیکن رویکرد تقلیل‌گرایانه و زن‌ستیزانهٔ روحانیت، آن را برآمده از عدم توجه زن به ارضاء نیازهای جنسی مرد دانسته است و او را متهم می‌کند، به نحوی که روحانیت معتقد است در هر شرایطی، زنان باید تمکین جنسی کنند. این امر بدون توجه روحانیت به بستر مناسب برای برقراری چنین ارتباطی است و صرفاً نگاه ابزاری به زن را مطمح نظر دارد. این قضاوت جنسیت‌زده، در تمام لایه‌های زیست زنان وجود دارد و از طریق نظام آموزشی تولید و بازتولید می‌شود. نقش‌ناپذیری روحانیت و بی‌توجهی به نقش محول و همچنین ارائهٔ راهکارهای حل مسأله با رویکرد زن‌ستیزی و ادعای استناد به متون دینی، حقیقت دین را به چالش کشیده است و انتقادات را به سوی آن گسیل کرده است. یک نکتهٔ بسیار مهم دیگر که اعتبار روحانیت را مخدوش کرده است، تضاد در گفتار و عمل است. روحانیت طبقه‌ای جدا از متن و مسلط بر آن، برای کنترل جامعهٔ زنان، دستورالعمل‌های سوگیرانه، متفاوت و در بعضی موارد، در تضاد با قالب رفتاری خود صادر می‌کند و نقش راهبردی در شکل‌بندی ساختار فرهنگی و اجتماعی را با دست خود به چالش می‌کشد. اعتراض به آن‌ها با رویکرد روحانیت‌گریزی، نتیجهٔ عملکرد متضاد است، چیزی که گاهی خود بر آن نیز باور دارند:

"روانشناسا، خودارضایی رو یک بیماری روانی و سادیسم جنسی میدونن و میگن هیچ ربطی به زن نداره، پس زن‌ها نباید خود رو مذمت کنن، ولی روحانیا، قبول ندارن و زن رو دلیل این کار میدونن"،" با اینکه رابطهٔ جنسی داشتیم، ولی خودارضایی داشت، شکایت کردم، قاضی منو مقصر دونست و حکم داد، معلومه اینا اعتباری ندارن دیگه" ، " اساتید درس معارف همه روحانین، تمام حرفشون در ضدیت با زن‌هاست، تخریب موجودیت و هویت شونه، دانشجوها رغبتی به کلاساشون ندارن"، " این روحانیا تو همه چی دخالت میکنن، همه جا نظر میدن، ایکاش وارد بودن، نیستن که، فقط دنبال سرکوب کردن زنهان، نظر خودشونو به دین میچسبونن، آدم بیزار میشه ازشون، به همه چی شک میکنه"،" به اتفاق همسرم به عنوان کارشناس فرهنگی، رفتیم دفتر یکی از این آقایون قم،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

با یه عکس بی حجاب خیلی فشن رو میزش مواجه شدیم که گفت مادرمه، میگفت بیش از ۶۰ سالش بوده که فوت شده، ولی الآن حجاب برای همون خانم ۶۰ ساله، اجباریه و گشت ارشاد و زندان در انتظارشه"، "دقت کردین نمیذارن عکس خانم‌های متوفا، روی آگهی تسلیت شون باشه؟!"، "استاد معارفمون می‌گفت روحانیت ایقد دین رو خراب کرده اگه بخواد پاشو بذاره تو دانشگاه، باید لباسشو دربیاره" (کدهای ۳۷، ۲۸ ، ۱۱ و ۲۳).

ظهور عقلانیت

زنان همواره با رویکردهای سنتی مواجه‌اند. روحانیت با استناد به آیات و روایات، تلاش می‌کند زنان را وادار به پذیرش جایگاه فرودست قراردادی نماید. مفاهیم سنت نیز وامدار دین است که از طریق عرف اجتماعی، عمل به هنجارها را مطالبه می‌کند. لیکن در این میان نیز اقلیتیّ از مردان اعم از روحانی و غیر آن هستند بر اساس عقلانیت، برداشت‌های زن ستیزانه را نمی‌پذیرند، بنابراین، در تقابل با اندیشه‌های دگم و متصلّب، واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها در آگاهی‌بخشی به زنان و دستیابی آن‌ها به حقوق خود، نقشی مؤثر دارند.

تضاد مثبت و درون‌گروهی

به موازات رویکرد زن‌ستیزانه نظام سلطه، رویکردهای اعتراضی و تقابلی درون گروهی اعم از روحانی و غیر آن، برای معناکاوی متون دینی و نشان دادن حقیقت آن و تغییر و اصلاح نظم موجود نیز وجود دارد. کنش اعتراضی برخی از روشن‌اندیشان، به افکار و عملکرد مردسالارانه و نقد بی‌عدالتی‌های جنسیتی و همچنین ترویج روابط فرادستی- فرودستی، زنان را خرسند کرده است. آن‌ها شاهد ایفای نقش واقعی آن‌ها به خصوص روحانیت دگراندیش هستند. رویکردهای فراجنسیتی و توجه به تعالی انسانیت توسط کنشگران تحول خواه، هر چند مورد عتاب درون‌گروهی قرار گرفته است، لیکن آگاهی جنسیتی زنان را موجب شده است و آن‌ها را به آیندهٔ خود امیدوار کرده است.

"تو تلویزیون یه روحانی صحبت می‌کرد در مورد حقوق زن‌ها و وظیفهٔ مردها و دفاع می‌کرد ازش، منطقی و قشنگ، برنامه‌اش رو قطع کردن، به زعم آقایون خوش نیومد"،" علمای ما خیلی خودخواهن و سنتی فکر می‌کنن، ولی بعضیاشون اینجوری نیستن، منصفن، البته حوزه اونها رو تأیید نمیکنه، نکنه، اونها مورد توجه و تأیید مردم هستن، چون حرفشون با نیاز آدم منطبقه، حرف دل آدم رو میزنن" (کدهای ۳٤ و ۲۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

تجربهٔ زیستهٔ زنان گویای کنش فردی و اجتماعی روحانیت در ترویج و تثبیت هژمونی مردسالاری است، لیکن گاهی نیز روایت‌گر عاملیت روحانیت در نقش تغییر می‌باشد. عاملیت انکار و تغییر، همسو با حقیقت انسانی و واقعیت زیست مطلوب زنان در عرصه فردی و اجتماعی، بدون وابستگی به ساختار متصلّب، روشنفکرانه و آزاد اندیشانه در جهت دستیابی زنان به حقوق مسلّم خویش تلاش می‌کند. او از اندیشه نابرابری، تبعیض و رابطهٔ جنسیت‌زدهٔ عمودی بین زن و مرد که از مسلّمات آموزشی مدارس دینی است، گذر کرده است و روابط عاطفی سالم را مبتنی بر برابری هر دو جنس ظهور می‌دهد:

"پدر و پدربزرگم روحانی بودن، پدرم تو همه جا عشق به مامان رو نشون می‌داد، قربون صدقه‌اش می‌رفت، مردا برای صدا کردن همسرشون، می‌گفتن " منزل"، ولی پدرم با صلابت و افتخار می‌گفت: زهرا جان، تو قصر شیرین مامانم رو به اسم می‌شناختن چون هزاران بار از دهن پدرم شنیده بودن، پدرم هیچ‌وقت مادرم را از چشم مردم پنهان نکرد، محدودیتی برای فعالیت‌های اجتماعی مادرم وجود نداشت، پدرم طلبه نجف بود، امکان تحصیل مامانم رو هم فراهم کرده بود"،"داماد عموم از فعالیت‌های ورزشی و علمی داخلی و خارجی همسرش استقبال می‌کنه و خودش پیشقدم میشه" (کدهای ٤ و ۲۱).

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های پژوهش، ۱٤ مضمون فرعی، ٤ مضمون اصلی و یک مضمون فراگیر به دست آمد. سوژهٔ فمینیستی، با آگاهی جنسیتی و فهم عمیق از وضع موجود، برای رفع تبعیض‌های ساختاری و تحقق عدالت اجتماعی، منتقدانه، مطالبه می‌کند. هر چند در جوامع ایدئولوژیک، نهادهای فرهنگ‌ساز دین و سنت با تولید مفاهیم ارزشی و کلیشه‌های جنسیتی، اندیشه و کنش زنان را جهت داده است و با ممنوعیت‌ها و محرومیت‌های قراردادی، گفتمان فرودستی را تصریح و نظم مردسالاری را تثبیت می‌کنند. گفتمان مردسالاری، زن بودگی را مترادف با سوژهٔ تسلیم می‌داند. زنان در زندگی روزمره در مواجهه با ساختارها و نهادها، با عناصری از دین و سنت روبه‌رو می‌شوند که در تولید و بازتولید این مفاهیم نقش بسزایی دارند. روایت سوژه فمینیستی از دین و سنت، برداشت‌های خودمحورانه نظام مردسالار را نشان می‌دهد، در نتیجه انتقاد سوژه نه از دین، بلکه از عاملیت نهاد مذکور است.

نظام‌های مردسالار با رویکرد طرد و حذف زنان از فضای اجتماعی، فردیت آن‌ها را به چالش می‌کشد و از آنان موجوداتی ناقص و وابسته می‌سازد. اندیشهٔ زن‌ستیزی در فرآیندی دائمی با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

مفهوم‌سازی‌های جنسیتی در نهاد دین و سنت، تولید و بازتولید می‌شود. در عین حال در بستر مدرنیسم، زن‌ستیزی و دفاع از حقوق زنان به عنوان دو رویکرد متضاد اجتماعی و سیاسی، بازتابش شده است. مناسبات جنسیتی، برساختهٔ گفتمان دین و سنت است، لیکن آگاهی مدرن در دیالکتیک میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و در فرآیند برهم کنش آن‌ها، استراتژی‌های زنانه را موجب شده است و سوژه ظهور می‌کند. ساختار قدرت نیز با ایجاد حلقه‌های سلطه با مفهوم دین و سنت، همچنان مانعی بر سر اهداف برابری‌خواهانه و رهایی‌بخش ایجاد می‌کند. مطالعهٔ ذکایی (۱۳۹۸) و علیمردانی (۱٤۰۰)، این نتایج را تأیید می‌کنند.

این مطالعه، کالابودگی زن برای برخورداری جنسی مرد را تصریح می بخشد و نشان می‌دهد برداشت‌های سوگیرانه از دین و سنت، کنش زنانه را تعریف می‌کند و رابطهٔ فرادستی- فرودستی را فرمول بندی و نهادینه می‌کند. فقدان اراده‌گرایی در زنان بر اساس الگوی تحمیلی و برساخت شدهٔ دین و سنت، از آنان موجودی وابسته و منفعل با مرجعیت مردان می‌سازد. پژوهش محمدی (۱٤۰۰) نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. در واقع حاکمیت گفتمان سنت-دین در نظام مردسالار، از زنان ابژه‌های سکوت، تسلیم و تمکین ساخته است و موجودیتی ضعیف که ابزاری برای تأیید، قوام و دوام جنسیت برتر است را برساخت می‌کند. زن در سیطرهٔ نگاه مردانه و برای بقاء و هستی او، معنا می‌یابد، بنابراین، موجودیتی وابسته و ناقص بدون توجه به فردیت و الزامات آن است. نکتهٔ بسیار مهم حاصل پژوهش حاضر، تلاش گفتمان مردسالاری برای توجیه فرودستی زنان و لزوم وابستگی فردی و اجتماعی است که با تفاسیر و برداشت‌ها از دین، آن را تصریح کرده است و در سنت بازتولید می‌کند و به استناد همان متون، میزانی از رضایت در آنان ایجاد می‌نماید. زنان به عنوان ابژه‌های این نظام، همسو با مردان در راستای اهداف آن کنش می‌کنند. سوژگی زنان در دوران مدرن و در تقابل با رویکرد سنت، زاییدهٔ اندیشهٔ فردیت است. آن‌ها بر لزوم حذف بستر خشونت‌زا تأکید دارند، بنابراین، در فضای جدید واماندگی مفاهیم سلطه مشاهده می‌شود.

مضمون فراگیر "زوال مشروعیت مرجعیت دینی " دستاورد این پژوهش است. سوژهٔ فمینیستی با اذعان به نقش واقعی دین در فرهنگ‌سازی، راهبری و انسجام‌بخشی، عملکرد روحانیت را در سامان زیست روزمره و توسعهٔ فرهنگی – اجتماعی از نظر دور نمی‌دارد و نگاه اخلاقی و فراجنسیتی آن‌ها در برداشت‌ها را مطالبه می‌کند. لیکن کنش زن ستیزانهٔ این نهاد، جایگاه آنان را تنزل داده است و رویکرد اخلاق‌مدارانه و فراجنسیتی دین را به چالش می‌کشد. زنان معتقدند استنادات غیر عقلی و غیر منطقی و تفاسیر سوگیرانه و سلیقه‌ای، زمینه‌ساز تولید و بازتولید خشونت و آسیب‌رسانی به روابط فردی و اجتماعی شده است، به طوری که احکام و قوانین صادره بر مبنای آن، در جهت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

انحطاط اخلاق عمومی و واپس‌گرایی دینی است و به همین جهت، آن را برنمی‌تابند و از نهاد مذکور مشروعیت‌زدایی می‌کنند. به روایت زنان، از نظر روحانیت، شاکلهٔ وجودی زنان، جنسیت ضعیف، پست و وابسته است. روحانیت با انحراف از نقش وجودی خود و ورود به تمام بخش‌های زیست روزمره و دین سازی‌ها، به گذشتهٔ جاهلی بازگشته است و تلاش می‌کند مفاهیم کلیشه‌ای و جنسیتی را ترویج و نهادینه سازد. در نگاهی کلان، ماحصل این رویکرد، این است که انسان‌های ناتوان و ضعیف، مشارکتی در رشد و توسعه نخواهند داشت و بر آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دامن زده خواهد شد. مطالعات زوئیسلر[۱] در سال ۲۰۱۲، نیز این استدلال را تأیید می‌کند.

علاوه بر آن، مفاهیم و کلیشه‌ها جنسیتی نیز برگرفته از متون دین، تصریح بخش ارزش‌ها و هنجارهای ساختگی رفتاری است که الگومندی زیست روزمره را عینیت می‌بخشد. ناگفته نماند سنت و دین دو سازهٔ فرهنگ هستند که در اغلب موارد، با هم، همپوشانی دارند و تلقی واحد از آن‌ها می شود. تجارب زیستهٔ زنان، انحراف نقش نهاد سنت و بازتولید گفتمان مردسالاری توسط آن را نشان می‌دهد. بدعت‌ها در تفاسیر متون دینی و احکام و کلیشه‌های جنسیتی در ساختار سنت، در قالب گزاره‌های سلطه به زنان عرضه می‌شود. مطالعه برهانه[۲] در سال ۱۹۹۹، نیز این نتایج را تأیید می‌کند. زیست روش‌مند و مبتنی بر الگوهای تعیینی، بر مبنای مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارها، هنگامی که مورد پذیرش خرد جمعی قرار گیرد، ثبات می‌یابد، ماندگار می‌شود و به نسل بعد منتقل می‌گردد. هر چند تغییر ساختار سنّت، به دلیل لزوم حساسیت‌زایی افکار عمومی نسبت به آن، بسیار دشوار و در بعضی موارد، غیر ممکن است، لیکن زنان با درک و تفسیر موقعیت، مطالبه‌گر شرایط مطلوب هستند و در تقابل با ساخت سنگین دین و سنت، کنش می‌کنند.

هدف سوژهٔ فمینیستی، حذف مطلقیت‌ها، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های برآمده از دین و سنت و تحقق استقلال و برابری است. کنشگر، هویت خود را از ابژهٔ نظام مردسالاری، به سوژهٔ ساختارشکن تغییر داده است و متحول می‌سازد. در نتیجه روایت زنان از وضع موجود و کنش آن‌ها به معنای انگیزه و عمل هدفمند و خلاق برای رهایی از نابرابری‌ها و تبعیض‌ها است که با مفهوم جنسیت، ساخته و پرداخته شده است و مبتنی بر معرفت و آگاهی است، بنابراین، اصیل، معنادار و از مشروعیت برخوردار است. گفتمان انتقادی سوژه، خودبازتابی است و توانمندسازی در مقاومت و کنشگری را در تقابل با هژمونی فرهنگی نشان می‌دهد. در طرح حاضر، جامعه‌پذیری

۱. Zwissler, Laurel

۲. Ras-Work, Berhane

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

جنسیتی در ساختار نظام مردسالاری و با برداشتی از دین و کلیشه‌های سنت صورت می‌گیرد. ساختاری که ولایت و مالکیت مرد بر زن را به استناد متون دین و تصریح سنت، تثبیت می‌کند و با نادیده‌انگاری نیازهای انسانی و جنسیتی زنان، از آن‌ها موجودات وابسته و محروم می‌سازد. در بطن آموزه‌های دین و سنت، وابستگی زنان امری مقدس و الزامی است و اِعراض از آن، مجازات و طرد اجتماعی را به دنبال دارد که با قوانین اجتماعی و مصوب عملیاتی می‌شود. همهٔ این‌ها مواردی از خشونت است که با برداشت‌هایی از متن دین و قواعد سنت و سلطهٔ ساختاری، در زیست روزمره برساخت می‌گردد.

در پایان، مواضع زنان در بحث حقوق، نباید به برخوردهای مقطعی و کوتاه تقلیل داده شود. بحث بر سر این است که نظام مردسالار، الگوهای فکری و رفتاری مورد وفق خود را با تفاسیر سوگیرانه از متون دین و سنت، تئوریزه و به زنان القاء کرده است و آن را در گسترهٔ وسیع نهادینه می‌کند. روایت سوژهٔ فمینیستی، نابرابری‌ها و تبعیض‌های مستند به دین و سنت را نشان می‌دهد، بنابراین، مواجههٔ سوژه با ساختار، از واقعیات زیست روزمرهٔ زنان است. تفسیر آگاهانه از موقعیت و لزوم دگرگون‌سازی آن، زنان را به سوژه‌های تغییر و تحول‌ساز بدل ساخته است، تا با ساختارشکنی، در حذف ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها تلاش کنند. پیشنهاد می‌شود امکان مطالعات فارغ از رویکرد ایدئولوژیک، جهت فهم زیست روزمرهٔ زنان و پتانسیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین الگوسازی‌ها با توجه به نیازها و مطالبات زنان و توسط آن‌ها، بدون سوگیری‌های جنسیتی توسط نظام مردانه و سلطهٔ معنایی نظام مذکور فراهم گردد.

منابع

۱. آبوت، پاملا، کلر والاس (۱۳۹۳) **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمهٔ منیژه نجم عراقی، تهران: نی.

۲. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۰) **جامعه‌شناسی دینی در شرق باستان**، تهران: بهمن برنا.

۳. ابوالحسن تنهایی، حسین(۱٤۰۰) **دستگاه نظری بلومر**، تهران: اندیشه احسان.

٤. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۱) **بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه شناسی در مدرنیته در گذار**، تهران،: بهمن برنا.

۵. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۸) **جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی**، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

٦. بهشتی، سید محمد (۱٤۰۱) **ایران کجاست؟ ایرانی کیست؟**، تهران: روزنه.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

۷. تانگ، رزمری (۱۳۹۶) **نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی**، ترجمهٔ منیژه نجم عراقی، تهران: نی.

۸. تریسی، سارا جی (۱۳۹٤) **روش‌های تحقیق کیفی**، ترجمهٔ حسین خنیفر و طاهره منیری شریف، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

۹. تورن، آلن (۱۳۹٦) **پارادایم جدید**، ترجمهٔ سلمان صادقی زاده و احمد نقیب زاده، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۰. تورن، آلن (۱٤۰۰) **بازگشت کنشگر: نظریهٔ اجتماعی در جامعهٔ پساصنعتی**، ترجمهٔ سلمان صادقی زاده، تهران: ثالث.

۱۱. دوالت، مارجوری ال (۱۳۸۵) **روش رهایی بخش مطالعات زنان و پژوهش اجتماعی**، ترجمهٔ هوشنگ نایبی، تهران: دانشگاه تهران.

۱۲. ذکایی، محمد سعید؛ امن پور، مریم و اندیشه اکبری (۱۳۹۸) «دیرینه‌شناسی برساخت زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول»، **مجله جامعه شناسی ایران**، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ٤: ۱۱۵-۸٦.

۱۳. روباتام، شیلا (۱۳۹۸) **زنان در تکاپو، فمینیسم و کنش اجتماعی**، ترجمهٔ حشمت الله صباغی، تهران: شیرازه.

۱٤. سیدمن، استیون (۱۳۸٦) **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ هادی جلیلی، تهران: نی.

۱۵. علیمردانی، محمدرضا؛ ازغندی، علیرضا؛ ابطحی، سید مصطفی ابطحی (۱٤۰۰) «کنش-پذیری سوژهٔ زن در تحولات تاریخ معاصر ایران»، **زن و جامعه**، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۲: ٤۵-۳۳.

۱٦. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکهٔ‌مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، **اندیشهٔ مدیریت راهبردی**، دورهٔ پنجم، شمارهٔ دوم، شمارهٔ ۱۰: ۱۵۱-۱۹۸.

۱۷. کرس‌ول، جان دبلیو (۱۳۹۱) **طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمّی و ترکیبی**، ترجمهٔ علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.

۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸٤) **مسائل محوری در نظریهٔ اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی**، ترجمهٔ محمد رضایی، تهران: سعاد.

۱۹. مشیرزاده، حمیرا (۱٤۰۰) **از جنبش تا نظریهٔ اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم**، تهران: شیرازه.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]

۲۰. محمدی، جمال و فاطمه محمدی (۱۴۰۰) «تحلیل گفتمان برساخت سوژهٔ جسم‌مند زنانه در ارتباط با سلطهٔ مردانه (زنان شهر سنندج)»، **پژوهشنامهٔ زنان**، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۲: ۲۲۷-۲۵۶.

۲۱. فراهانی، فریده (۱۴۰۲) **تحلیل تم یا تحلیل مضمون چیست؟**

https://qualitativestudies.com › theme-analysis

22. Braun, V. & Clarke, V. (2006) «Using thematic analysis in psychology», **Qualitative Research in Psychology**, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

23. Dawadi, Saraswati, (2020) «Thematic Analysis Approach: A Step by Step Guide for ELT Research Practitioners», **Jounal of NELTA**, Volume 25, Number 1_2,

24. Ras-Work, Berhane, (1999) «Tant qu'on a la santé: Violence against women as a traditional practice», **Graduate Institute Publications**, p: 61-82.

25. Zwissler, Laurel, (2012) «Feminism and Religion: Intersections between Western Activism», **Theology and Theory, Citations**: 11,Volume 6, Issue7, P: 354-368,

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.82]